

نوع مقاله: پژوهشی

مالیات یا اخاذی: بررسی نظام مالیات‌گیری ایران پس از دوره ایلخانی با تأکید بر عصر صفوی و قاجار

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱۰/۰۶)

حنیف عموزاده مهدیرجی^۱

محسن رنجبر^۲

چکیده

چند سالی است که اخبار مبتنی بر فساد از دستگاه‌های دولتی ایران شنیده می‌شود. نوعی از ارتباطات درون‌گروهی در ساخت قدرت که در آن‌ها اعضای هر جناح سیاسی برخلاف منفعت عمومی و به سود خود و دیگر اعضای گروه‌شان عمل می‌کنند، از طرف دیگر میان مردم با کارگزاران خرد حکومتی در سطوح پایین‌تر سیستم اجرایی کشور همکاری مبتنی بر رشوه و باج‌دهی در سال‌های اخیر شکل گرفته است به طوری که شاخص ادراک فساد اداری در کشور در سالیان گذشته در مقایسه یا سایر دول منطقه رو به کاهش نهاده است. ادعای مطرح شده این است که این نوع از همکاری نظامند مبتنی بر فساد، در یک بستر تاریخی و در تعاملات میان کارگزاران و شهروندان ایران شکل گرفته است. لذا این مقاله می‌کوشد تا از منظر جامعه‌شناسی تاریخی به فهمی

۱. دکتری سیاستگذاری عمومی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول. Hamoozadeh@ut.ac.ir

۲. دکتری سیاستگذاری عمومی دانشگاه تهران. Ranjbar2011@ut.ac.ir

جدید و البته تاریخی از مناسبات مالی میان حکومت و مردم دست یافته شود. در این راستا، بررسی اسناد و تحلیل‌های ثانویه معتبر تاریخی، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین برای مشاهده بهتر مدارک تاریخی، مدلی مفهومی برای تبیین بهتر روابط میان اجزای رویدادی‌های مورد مشاهده طراحی شده است. در طراحی این مدل، از آرای نظریه‌پردازانی چون الیاس، گمبتا و تیلی در جهت دستیابی به استنتاجی مبتنی بر بهترین تبیین استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که در نقاط تعاملاتی کارگزاران حکومتی با شهروندان، مجموعه از مناسباتی مالی همراه با سختگیری، فساد و بدبینی حاکم بوده که از هیچ رموز آئینی شده‌ای نیز پیروی نمی‌کرده است.

واژگان کلیدی: تاریخ نظام مالیات‌گیری ایران، جامعه‌شناسی تاریخی، عصر صفوی، دوران قاجار.

چند سالی است که اخبار مبتنی بر فساد از دستگاه‌های دولتی در ایران شنیده می‌شود. نوعی از ارتباطات درون‌گروهی در ساخت قدرت که در آن‌ها اعضا برخلاف منفعت عمومی و به سود خود و اعضای گروه‌شان عمل می‌کنند. پدیده‌ای که امروزه در کشور وجود دارد، شکل‌گیری اختلاس‌های میلیاردی در درون ساختار اجرایی کشور است که نشان از نوعی همکاری میان گروه‌های کوچک و اُلیگارشیک در درون ساخت‌های سیاسی محدود دارد که عموماً بر خلاف خیر عمومی جامعه عمل می‌کنند. از جمله این موارد می‌توان به ماجرای حقوق‌های نجومی^۱ و املاک نجومی اشاره کرد (ر.ک. به: خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۵). از طرف دیگر، میان مردم با کارگزاران خرد حکومتی در سطوح پایین‌تر سیستم اجرایی کشور که در ادبیات سیاست‌گذاری آن‌ها را بروکرات‌های سطح خیابانی^۲ می‌خوانند (اسمیت و لاریمر، ۲۰۰۹: ۱۶۹-۱۶۷)، قالبی از همکاری مبتنی بر رشوه و باج‌دهی شکل گرفته است به طوری که شاخص ادراک فساد^۳ نشان می‌دهد ایران از میان ۱۸۳ کشور بررسی شده، رتبه ۱۳۴ را در سال ۲۰۱۷ داشته است (ر.ک. به گزارش شفافیت بین‌الملل، ۲۰۱۷). این تعاملات فسادخیز؛ نوعی تعاملات پایدار و باثبات هستند که از منظر نظریه بازی‌ها «تعادلات خرده‌بینه^۴ پایدار» نام دارند و به‌صورت تاریخی و مستمر پدید آمده‌اند که گویی راهی برای گریز از آن‌ها نیست (روث‌ستاین، ۱۳۹۳: ۵۰). در واقع این روابط به‌مانند همه بازی‌های تکراری^۵ از بازی‌های ناهمیارانه به‌سوی بازی‌های همیارانه سوق پیدا می‌کنند (عبدلی، ۱۳۹۰). گویی فرهنگی نهادینه‌شده بر این روابط مستولی شده است که

۱. در رسانه‌های انگلیسی‌زبان با عبارت Payscale-gate خوانده می‌شود (ر.ک. به: لس‌آنجلس تایمز، ۲۰۱۶).

2. Street-Level Bureaucrats
3. CPI: Corruption Perception Index
4. Sun-Optimal Equilibriums
5. Repetitive Games

خروج از آن را غیر ممکن ساخته است و این فرهنگ مالیاتی برخلاف خیرعمومی و منافع جمعی کل جامعه سبب ائتلاف منابع گسترده شده است. نوعی از فرهنگ بی‌اعتمادی که/ستیورز از آن به عنوان «فرهنگ بدگمانی»^۱ یاد می‌کند (ر.ک. به: استیورز، ۱۹۹۴؛ پاتنام، ۱۹۹۵). از گذشته نیز برخی تحلیلگران معتقد بودند که مناسبات مالی مردم و حکومت در ایران، هیچگاه مسالمت‌آمیز و دوستانه نبوده است (کاتوزیان، ۱۳۹۳؛ آجودانی، ۱۳۸۳، بخش هشتم: دولت و ملت). حال پرسش اساسی این است که: «روابط و مناسبات مالیاتی مردم و حکومت در ایران از گذشته تا به امروز چگونه بوده است و این روابط از چه قاعده یا قواعدی پیروی کرده‌اند؟ علت شکل‌گیری گروه‌های فسادخیز در مناسبات مردم با حکومت، از منظر تاریخی آن چه بوده است؟». برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا مدلی مفهومی طرح‌ریزی شده که بر اساس آن رویدادهای تاریخی در قالب اسناد اولیه و تحلیل‌های ثانویه مشاهده؛ سپس با اشباع مشاهدات صورت گرفته، رد و تأیید مدل مفهومی آورده می‌شود. در این راستا، بررسی مناسبات مالی مردم و حکومت از عصر ساسانی تا پایان دوران قاجار و یا به تعبیری، دوران پیش از تکوین دولت مدرن در ایران، مورد مَدَاقَّه و کنکاش قرار می‌گیرد.

چارچوب نظری: جامعه‌شناسی تاریخی

رشد جامعه‌شناسی تاریخی بیشتر از هر چیزی مرهون جایگاه مکتب آنال در جامعه‌شناسی است و اثرپذیری این مکتب از آرای مارک بلوخ^۲ بر کسی پوشیده نیست. *دانیل شیرو*^۳ (۱۳۹۲) اثرگذاری بلوخ را در چهار جنبه مورد بررسی قرار داده است: نخست بلوخ واحدهای زمانی و اجتماعی را در محور

1. Culture of Cynicism
2. Mark Bloch
3. Daniel Chirot

تحلیل‌های تاریخی خود قرار می‌دهد، دوم؛ توجه او به اسناد و مدارک معتبر تاریخی و همچنین در نظر آوردن اثر مؤلفه جغرافیایی بر تحولات تاریخی، سوم؛ تقابل نظری وی با جامعه‌شناسی آگوست کنتی است و چهارم؛ اهمیت قائل شدن وی برای تئوری‌های اجتماعی. بلوخ معتقد بود که می‌توان در تاریخ مطالعه علمی داشت به شرط آنکه از تئوری‌ها برای مشاهده و گزینش اسناد و مدارک استفاده نمود (شیرو، ۱۳۹۲: ۶۰-۳۹). با توجه به ویژگی چهارم آثار بلوخ، در این مقاله نیز تلاش می‌شود تا ابتدای امر مدلی مفهومی و چارچوبی نظری برای بررسی و مطالعه تاریخ روابط دولت و ملت در ایران ارائه شود.

نوربرت الیاس

الیاس^۱ در مهمترین کتاب خود یعنی «پویایی تمدن غرب»، فرآیند متمدن شدن جوامع اروپایی را حاصل تحمیل تدریجی یک انحصار دوگانه می‌داند. انحصاری که از یک سو به مالیات بازمی‌گردد و از سوی دیگر به قدرت نظامی و اختیار جنگ و صلح برای شاهان. لذا در این دوران، دیگر هدف در مبارزه سیاسی از بین بردن انحصار حاکمیت نیست بلکه «راه‌یابی به دستگاه اداری انحصار و توزیع وظایف و منافع از طریق آن است» (هنیش، ۱۳۸۹: ۲۱-۱۶). تحلیل تاریخی نوربرت الیاس دارای ویژگی‌های منحصر بفردی است. وی اساساً بر مؤلفه‌هایی چون شانس، ویژگی‌ها و توانایی‌های افراد و حوادث تصادفی و تأثیر آن بر رویدادهای تاریخی توجه ویژه‌ای دارد. به عنوان نمونه، او ادغام واحدهای فنودالی در یک ساخت متمرکز اصیل‌تر را حاصل بکارگیری و رشد ساخت «نعل اسب» و «آسیاب‌های بادی» در اروپای قرن دهم میلادی بر می‌شمارد. فرآیندی که سبب شد تا اروپای تجزیه شده در دوره نخستین فنودالیت، تجربه ادغام در حکومت‌های پادشاهی را در دوره دوم خود تجربه کند. این ادغام

مجدد این بار توسط پادشاهان و شاهزادگان و به دلیل افزایش ارتباطات منتج شده از ساخت نعل اسب و گسترش تجارت حاصل از آن و همینطور افزایش تولیدات کشاورزی با کمک آسیاب بادی در اروپای مرکزی اتفاق افتاد. امری که کسب درآمد ثابت مالیاتی بیشتر را برای پادشاهان مهیا نمود و ابزار اخذ آن را به کمک شکل دادن به ارتشی ثابت، با درآمد دائمی و قدرت سوق الجیشی بالا در جابجایی‌ها به وجود آورد (الیاس، ۱۳۹۲: ۲۷-۳).

الیاس شکل‌گیری شبکه‌های منشعب شده از نیروهای گریز از مرکز را در ذات ساختار پادشاهی می‌دید. او معتقد است که پادشاهان به دلیل همین عنصر ارتباطات محدود و مسافت جغرافیایی مجبور بودند که به افرادی اعتماد کنند؛ لذا کارگزاران مورد اعتماد را به اقصی نقاط قلمروی سرزمینی خود می‌فرستادند تا بر انجام درست امور نظارت کنند؛ عوارض و خراج‌ها را جمع‌آوری کنند و مراقب باشند تا کسانی که موظف به انجام خدمات به شاه هستند، به وظیفه خود عمل کنند و افراد خاطی مجازات شوند. پادشاهان نیز در قبال خدمات آنان، پولی پرداخت نمی‌کردند. بنابراین، حکومت با پرداخت زمین‌های بزرگ به کارگزارانش در ازای کسب اعتماد و تعهدشان، شبکه نفوذ خود را در مناطق حاشیه‌ای حفظ می‌کرد. اما همین کارگزاران معتمد شاهان بعد از مدتی، تقریباً یک یا دو نسل بعد، برای حکومت مشکل‌آفرین می‌شدند. در این شرایط، خواست آنان داشتن زمینی موروثی است که توسط نسل‌های بعدی پادشاه و فرزندان‌شان به رسمیت شناخته شود که این امر پیامدهایی همچون درگیری نظامی و در نهایت تجزیه را به دلیل ضعف لجستیکی و سوق الجیشی قوای نظامی پادشاه و همچنین نبود یک ارتش ثابت و حقوق‌بگیر در پی خواهد داشت. در نتیجه پادشاهان مجبور به تفویض اختیار در مناطق مختلف به خدمتگزاران مورد اعتماد سابق خود شدند و از طریق القاب متنوع، منزلت اجتماعی دائمی برای آنان تعیین کردند (الیاس، ۱۳۹۲: ۸۸-۳۴).

دیگو گمبتا

گمبتا^۱ در مطالعاتش به بررسی تاریخی نقش گروه‌های اخاذی مافیایی در ایتالیا پرداخته است. از منظر وی، گروه‌های مافیایی دارای «کدها و نشانه‌های کهنه»^۲، مجازات‌های خشن، نمادهای مخفی، تشریفات و آیین‌های خونی تشکیل دهنده مانیفست مافیا هستند. مافیا یک شرکت اقتصادی است، یک صنعت که «مراقبت خصوصی»^۳ را می‌فروشد. این صنعت نزدیک به ۱۵۰ سال است که در سوسیالی ایتالیا رواج دارد. آنچه که در مطالعات مافیا مشهود است، ناتوانی دولت در تسلط بر جنوب ایتالیا و خارج نمودن انحصار استفاده از خشونت از دست گروه‌های مافیایی (عضو مافیا یا «مافیاسو»)^۴ در این منطقه است. در واقع مهمترین کالای عرضه شده از سوی دولت یعنی استفاده از خشونت به تعبیری وبری، توسط نهادها یا دولت‌های موازی عرضه می‌شوند، آنهم در محدوده حاکمیتی دولت مستقر، دولتی که به‌سان آژانسی در عین حال شیطان‌صفت و خشن، عرضه‌کننده خدماتی با کیفیت است؛ خدماتی که دیگر آژانس‌ها و نهادهای اجتماعی امکان عرضه آن را ندارند. با این حال، مصرف‌کننده‌های کالای مافیا به این سبب به دولت به عنوان منبع مشروع و انحصاری استفاده از خشونت مراجعه نمی‌کنند چراکه اعتمادشان به مافیا جهت حفظ استقلال عمل خود بیشتر است. در این حالت از منظر یک بازیگر عمده،^۵ مافیا دارای فواید ارزنده‌ای است. شاید فرد به دست اخاذی^۶ عوامل مافیا متضرر شود، اما این مقدار کمتر از میزان مالیات‌های ناعادلانه دولتی بوده و البته اطلاعات و حریم خصوصی افراد را نیز حفظ می‌کند. از نظر گمبتا، عموماً مافیا زمانی حضور

می‌یابد که دولت اقدامی اجتماعی یا کالا و تراکنشی اقتصادی را غیرقانونی اعلام می‌کند. در این شرایط، فرصت برای مافیا و بازارهای خصوصی فراهم می‌شود (گمبتا، ۱۹۹۶: ۷-۴).

گمبتا معتقد است که کاتولیک‌گرایی و بدبینی‌گرایی، عنصر بنیادین^۱ ساختار سیاسی ایتالیا است که همراه با رویدادهای تاریخی عموماً ناخوشایند منجر به رفتار اجتماعی همراه با سوءظن در تعاملات افراد شده است. وی به یک تعلیم دهنده و پرورش دهنده رمه^۲ به نام آواکارو^۳ اشاره دارد که برایش توضیح داده تا برای فروش یک دام به قصاب به دلیل اینکه نه او (خریدار یا همان قصاب) به من (فروشنده یا پرورش دهنده) اعتماد دارد و نه من به او، مجبور هستیم به فرد جدیدی روی بیاوریم که آن فرد «پپه»^۴ نام دارد و در واقع او دلال این معامله است و امنیت معامله را تضمین می‌کند. او یک مافیاسو محسوب می‌شود چراکه تراکنش‌هایی که در آن اعتماد کمیاب است و یا اصلاً وجود ندارد، تنها توسط او جوش می‌خورد و تضمین می‌گردد. این مافیاسوها با افراد خاطی طبق هنجارها و گداهای خانوادگی و باستانی خود به سختی برخورد می‌کنند. به نظر گمبتا این سنت ریشه در دوران حکمرانی ناپلئون [سوم] بر این ناحیه دارد. او شخصاً در برخی معاملات خرید و فروش اسب دخالت می‌کرد، فرد خاطی را به شدت مجازات می‌نمود. در واقع نظارت حکومتی و محدود کردن خرید و فروش اسب در دوران ناپلئون زمینه را برای شکل‌گیری شبکه‌های اعتماد از خرید و فروش اسب و گوشت آن در ناپل ایتالیا به وجود آورده است. لذا فرض گمبتا بر آن اساس استوار است که در صورت عدم وقوع اعمال‌سازی این محدودیت بر تراکنش‌های اقتصادی و استفاده از روش‌های خشن و سختگیرانه در اجرای آن، وجود مافیای خرید و فروش اسب در ایتالیا به وجود نمی‌آید؛ کما

1. Quintessence
2. Cattle Breeder
3. Avaccaro
4. Peppe

اینکه شواهدی مبنی بر وجود این مافیا در گذشته وجود ندارد (ر.ک. به: گمبتا، فصل نخست: صنعت مراقبت، ۱۹۹۶).

چارلز تیلی

نخستین بار بحث شبکه‌های اعتماد و روابطشان با مراکز قدرت توسط چارلز تیلی^۱ مطرح شد. وی در مورد فرآیند ادغام شبکه‌های اعتماد در حکومت و نسبت‌ها و روابط منتج شده از این فرآیند ادغامی به این نکته اشاره می‌کند که ممکن است چه شکلی از انواع مختلف نظام‌های سیاسی پدیدار شود. در این راستا، هر یک از شبکه‌های اعتماد بسته به آن که با چه حکومتی و به چه درجه‌ای از اقتدار مواجه شوند، استراتژی متفاوتی برای بقای خود و استمرار شبکه‌شان اتخاذ می‌کنند. این استراتژی‌ها می‌توانند از بالا به پایین^۲ یا از پایین به بالا^۳ باشند؛ بسته به اینکه چه سیستم حکومتی از فرآیند ادغام یا تقابل شبکه‌های اعتماد حاصل شود. بنابراین شبکه‌های اعتماد به صورت تاریخی در روابط خود با حکومت‌ها، راهبردهای متفاوتی را اتخاذ می‌کنند. این راهبردهای هفتگانه بدین شرح‌اند:

۱. پنهان‌کاری: ^۴ تلاش برای عدم شناسایی توسط حکومت.
۲. دورویی: ^۵ عدم صداقت با بکارگیری همسویی متظاهرانه در جهت انطباق با هویت عمومی.
۳. مشتری‌مداری: ^۶ کسب حمایت مسئولانه میان‌رده‌ای از طریق پرداخت هزینه و به حداقل رساندن تبعیت و حضور.
۴. توحش: ^۷ بهره‌گیری از زور در جهت دفاع از شبکه در مقابل تهاجم سایر

-
1. Charles Tilly
 2. Top-Down
 3. Bottom-Up
 4. Concealment
 5. Dissimulation
 6. Clientage
 7. Predation

شبکه‌ها.

۵. چانه‌زنی: ^۱ ایجاد رابطه با بازیگران اصلی سیاسی.

۶. نام‌نویسی کردن: ^۲ حضور و ادغام در مکان‌های در دسترس رژیم ^۳ به صورت داوطلبانه.

۷. انحلال: ^۴ از بین رفتن شبکه به صورت تدریجی و یا تفکیک جمعی.

این استراتژی‌ها برای بقا و ادامه حیات شبکه‌های اعتماد مؤثرند و بسته به اینکه این رابطه تا چه میزان ادغامی و یا انکساری بوده است، رژیم سیاسی متفاوتی بر این شبکه‌های اعتماد حاکم می‌شد که چارلز تیلی به شرح ذیل آن‌ها را دسته-بندی کرده است:

۱- تمامیت خواهی: ادغام قهرآمیز گسترده شبکه‌های اعتماد با سیاست‌های رژیم سیاسی، همچون ادغام گسترده همبستگی‌های محلی در رژیم فاشیستی در ایتالیا؛

۲- تئوکراسی: ادغام گسترده شبکه‌های اعتماد حول اجتماعات اعتقادی همچون جمهوری اسلامی ایران؛

۳- «سیستم‌های حمایتی»: ^۵ ترکیب اجبار با سرمایه و حداقلی از تعهد به زنجیره حامی پیرو که به وجود آورنده ارتباطات مبتنی بر چانه‌زنی هستند. میانجی‌گری بین حکومت‌کنندگان و مردم معمولی در شبکه‌های اعتماد مثل رژیم‌های آمریکای لاتین در قرن نوزدهم؛

۴- دموکراسی: ادغام جزئی نه کامل شبکه‌های اعتماد در سیاست عمومی و تبعیت از حکومت‌کنندگان در مقابل استقلال در درون حیطه خودشان بدون کنار گذاشتن سرمایه و اجبار همچون سوئیس.

-
1. Bargaining
 2. Enlistment
 3. Regime's Available Niche
 4. Dissolution
 5. Patronage Systems

مالیات یا اخاذی: بررسی نظام مالیات‌گیری ایران... ۱۹۳

۵- «استقلال دلالتی شده»^۱: مناسباتی که در آن رهبران شبکه‌های اعتماد منابع و اعتماد را در اختیار حکومت‌کنندگان قرار می‌دهند و در مقابل آن در حیطه‌های مربوط به خود استقلال به دست می‌آورند همچون امپراطوری عثمانی.

۶- «همسویی شکننده»^۲: ترتیباتی که در آن مشارکت‌کنندگان در شبکه‌های اعتماد تا حد امکان سعی می‌کنند از رشد حکومت‌کنندگان در امان باشند اما در هنگام لزوم و جایی که حرف زور در کار باشد منابع را در اختیار می‌گذرانند مثل امپراتوری مغول.

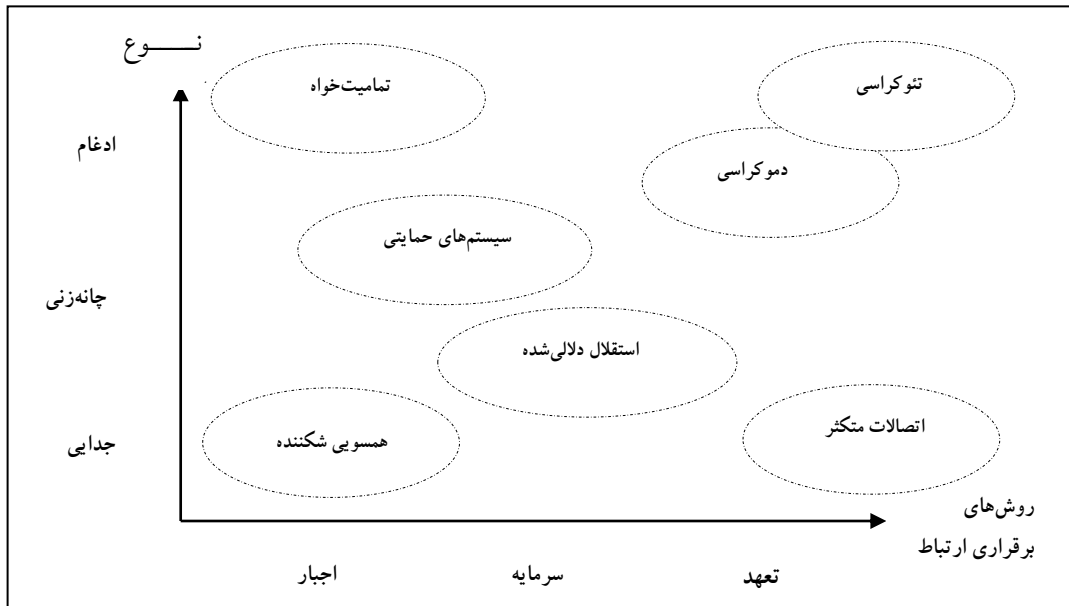
۷- «اتصالات متکثر»^۳: نوعی از مذهب، روابط خویشاوندی و تعهدات خونی که در آن حکام به شکلی مستقیم به یکدیگر متعهد می‌گردند مثل شوگون‌ها^۴ در عصر توکوگاوا^۵ (تیلی، ۲۰۰۵: ۳۲-۳۱).



1. Brokered Autonomy
2. Evasive Conformity
3. Pluralistic Ties

۴. شوگون‌ها Shoguns جنگ‌آوران و فرمانروایان منطقه‌ای ژاپن در عصر توکوگاوا بودند.

5. Tokugawa

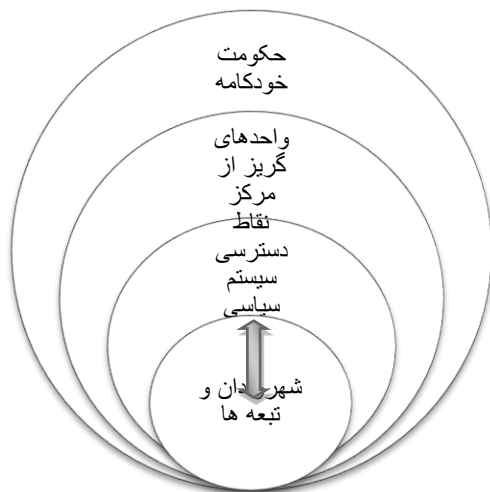


شکل ۱. رابطه شبکه‌های اعتماد با مرکز قدرت برگرفته از (تیلی، ۲۰۰۵: ۳۱)

طرح مدل مفهومی

مدل مفهومی مقاله بر اساس نظریه دولت خودکامه، اما با جرح و تعدیل‌هایی در برخی نتایج و البته مفروضات آن طراحی شده است. برخلاف دولت خودکامه، محمدعلی همایون کاتوزیان (ر.ک. به: کاتوزیان، ایران جامعه کوتاه مدت، ۱۳۹۶؛ کاتوزیان، تضاد دولت و ملت، ۱۳۹۳) که بر برخی ویژگی‌های جغرافیایی همچون کمبود آب در ایران که خود برگرفته از شیوه تولید آسیایی مارکس و استبداد شرقی ویتفوجل^۱ است، تأکید دارد؛ در حالیکه در مدل مفهومی این مقاله، منشأ خودکامگی شرقی در ذات پادشاهی‌های بزرگ و واحدهای گریز از مرکزی که به نظر نوربرت الیاس امکان نظارت بر آنها وجود نداشته است، جستجو می‌شود. در این نگاه، واحدهای سیاسی گریز از مرکز بسان شبکه‌های اعتمادی عمل می‌کردند که دارای رموز آئینی و سنتی بودند و از شبکه و اعضای خود به صورت گسترده‌ای حمایت می‌کردند. در واقع چنانچه اخذی هم در این واحدها صورت می‌گرفت، کارویژه و خروجی معین برای اعضای شبکه داشت و افراد تحت حمایت شبکه خود قرار داشتند. شبکه‌ای که به مثابه دولتی موازی عمل می‌کردند؛ هم انحصار بکارگیری خشونت را داشتند و هم متعهد به انجام تعهداتشان بودند. علاوه بر این‌ها، هر یک از واحدهای گریز از مرکز بر نقاط دسترسی تعاملات میان مردم و حکومت تسلط داشتند و اتفاقاً در همین نقاط روابط مبتنی بر اعتماد یا بی‌اعتمادی میان حکومت و مردم شکل گرفته است. روابطی که بعضاً تحت تأثیر شبکه‌هایی از کارگزاران فاسد حکومتی قرار می‌گرفت که بر خلاف خیر عمومی عمل می‌کردند و نوعی بدبینی به کارگزاران حکومتی را در اذهان ایرانیان باقی گذاشته‌اند. در ادامه بحث، تلاش می‌شود تا از منظری تاریخی اصلی‌ترین نقاط

دسترسی نظام‌های سیاسی را در تعاملات با مردم در قالب روابط مالیاتی میان حکومت‌ها و اتباعشان نشان داده شود. بر همین اساس داده‌های مستخرج با مدل مفهومی تطبیق داده شده و سعی می‌شود تا تبیین نسبتاً جامعی در رابطه با تعاملات مالی تاریخی مردم و حکومت در ایران ارائه شود.



رسم توضیحی ۱. مدل مفهومی تاریخی برای بررسی روابط حکومت و مردم در ایران

نظام مالیات‌گیری ایران با تأکید بر عصر صفوی و قاجار به طور کلی، در عصر ایلخانیان و حکومت‌های مغول، نوعی از سهم‌گیری قدرت در مناسبات سیاسی ایران حاکم شد که در نظر چارلز تیلی به همسویی شکننده شناخته می‌شود. در این چارچوب، نظام دریافت پاداش برای حامیان حکومت مرکزی از شکل اقطاع در عصر سلجوقی خارج و جای خود را به یورت و اینجور داد (ر.ک. به: علمداری، ۱۳۹۲، فصل چهارم: زمینداری در ایران). برخی تحلیل‌گران مارکسیست، همچون پطروشفسکی، این دوران را آغاز تقویت فئودالیسم در ایران و از بین رفتن مالکیت متمرکز دولتی بر می‌شمارند. از نظر آنان این تحول سبب نهادینه شدن مناسبات ارباب-رعیتی در

مالیات یا اخذی: بررسی نظام مالیات‌گیری ایران... ۱۹۷

روستاهاى کشور بود. در واقع مالکیت متمرکز دولتی به مالکیت فئودالیستی تغییر پیدا کرد (ولی، ۱۳۸۰: ۱۱۳-۱۱۰؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: پطروشفسکی، ۱۳۵۷). به اعتقاد وی، تاریخ مالی و مالیاتی ایران در عصر مغولان را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: در دوره نخست ۶۸۹-۶۱۷ ه.ق. (۱۲۲۰-۱۲۹۰ م.)، دوره انحطاط اقتصاد ایران نامیده شده است. در این دوران، به واسطه از بین رفتن سیستم‌های آبیاری در پی هجوم مغولان و تخریب شهرها توسط آنان، ظرفیت مالی مالیات‌دهندگان ایرانی کاسته شد. بدین سان، دیگر امکان دریافت مقادیر عظیم مالیاتی از مردم برای تأمین مخارج جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها از بین رفت. در دوره دوم تا ۷۲۶ ه.ق. (۱۳۰۰ تا ۱۳۲۵ م.) دورانی است که با اصلاحات غازان‌خان، نرخ خراج تثبیت شد و میزان مالیات و بیگار مشخص گردید. در نهایت در دوره سوم از ۷۲۶ تا ۷۸۲ ه.ق. (۱۳۸۰-۱۳۲۵ م.) دوره رشد عدم مرکزیت است. وقوع قیام‌های بزرگی همچون سرداران و رشد خاندان‌های بزرگ همچون «آل کرت»، «چوپانیان»^۱، «آل مظفر» به سبب این پاشیدگی ارزیابی می‌شود (پطروشفسکی، ۱۳۵۷: ۱۱۳-۱۰۰). به تعبیر نوربرت الیاس، حکام مرکزی برای اداره امور مناطق دور دست آنهم در قلمروی بی‌پایان مغولان، نیازمند واگذاری استقلال به واحدهای پیرامونی بودند. در این اثنا به سبب تمرکززدایی از حکومت مرکزی، نوعی از نظام مالیات‌گیری در دوره مغول در کشور رواج پیدا کرد که بسیار خشن‌تر از قبل در مناطق گریز از مرکز جلوه می‌کرد. به عنوان نمونه نوعی از نظام مالیات‌گیری در این دوران رواج داشت که از هیچ منطق مالیاتی پیروی نمی‌کرد که «طرح» نامیده می‌شد. «طرح» نوعی فروش کالا توسط حکومت به

۱. خشونت هر یک از این واحدهای به تعبیر پطروشفسکی فئودالی (یا گریز از مرکز به تعبیر نگارندگان) پرآوازه بوده است. در این میان چوپانیان خشن‌ترین نوع مالیات‌گیری را استفاده می‌کردند. ریاست آن‌ها برعهده امیرحسین کوچک و برادر و جانشینش ملک اشرف بود. از طرفی ملک غیاث‌الدین کرت، صاحب هرات نیز به ظلم و ستم مشهور بوده است (پطروشفسکی، ۱۳۵۷: ۱۲۰).

مردم است که آن‌هم به صورت اجباری بوده است و عموماً با قیمتی فراتر از قیمت بازار از دولت خریداری می‌شد. خرید طرح‌های حکومتی از سوی مردم اما به راحتی انجام نمی‌گرفت و خشونت بکار رفته برای دریافت آن بسیار وحشتناک توصیف شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۳۹۴). همایون کاتوزیان برای نشان دادن خشونت بکار رفته در این باب به یکی از اشعار سعدی ارجاع می‌دهد:

| | |
|-------------------------|-------------------------|
| ز احوال برادرم به تحقیق | دانم که ترا خبر نباشد |
| خرمای به طرح می‌دهندش | بخت بد ازین بتر نباشد |
| وانگه تو محصولی فرستی | ترکی که ازو بتر نباشد |
| چندان بزندش ای خداوند | کز خانه رهش به در نباشد |

پس از مغولان، دستگاه مالیاتی ایرانی خشن‌تر و بی‌تعهدتر از قبل نسبت به رعایای خود عمل می‌کرد. با این حال در عصر صفوی، کشور پس از یک دوره بی‌ثبات بزرگ در طی دو قرن؛ تجربه دولتی متمرکز، بانضباط و قدرتمند را به‌دست آورد. ویلم فلور معتقد است که علاوه بر مالیات‌ها در ایران عصر صفوی، انواع مختلفی از پرداخت‌های مختلف رنگارنگ به شکل «علفه»^۱ و «علوفه»، «قنلغا»،^۲ «ساوری»،^۳ «پیشکش»، «سلامانه»، «دست‌انداز»،^۴ «عیدی»، «نوروزی»، «خرج»، «حق‌السعی»، «زرچریک»، «الام»،^۵ «بنیچه»، «کندولک»،^۶

۱. مالیاتی که برای تهیه خوراک عمال حکومت وصول می‌شد؛ البته بیشتر در دوره‌های تیموری و صفوی (معین، ۱۳۷۶: ۲۳۴۱).

۲. قلیغا یا قنلغا نیز نامیده می‌شود. نوعی مالیات فردی که به‌عنوان پذیرایی از مأمور مالیاتی پرداخت می‌گردید (جعفریان، ۱۳۷۹: ۹۳۶).

۳. وجهی که پادشاهان قوی از امرای ضعیف به صورت خراج می‌گرفتند؛ در اینجا منظور باج و خراج غیر رسمی است (معین، ۱۳۷۶: ۱۸۱۰).

۴. کنایه از غارت و تاراج (ر.ک. به: «دست‌انداز» در لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۹۶).

۵. در لغت به معنی راهنمایی بود که مجبور بود به مأمور دیوان به رایگان خدمت کند (معین، ۱۳۷۶: ۳۳۵).

۶. کندوله به معنی کندو یا ظرفی گلین و بزرگ که آن را پر از غله می‌کردند (معین، ۱۳۷۶: ۳۰۹۴-۳۰۹۳). در اینجا نیز نوعی خراج غیررسمی است بر غله در نظر گرفته شده است.

مالیات یا اخذی: بررسی نظام مالیات گیری ایران ... ۱۹۹

«دهیک» و «دهونیمیک»، «شیلان^۱ بها»، «مردکار»، «بیگار»،^۲ «مالوجهات»، «اخراجات»، «اخراجات حکمی»، رسومات مختلف همچون «رسم داروغگی» و «رسم التحریر»، «خراج»^۳ و «جزیه»^۴ را شامل می‌شد (فلور، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۳؛ همچنین ر.ک. جعفریان، ۱۳۷۹: ۹۳۶). در واقع مالیات رسمی، تنها پرداخت مردم به حکومت محسوب نمی‌شد؛ بلکه انواع مختلفی از اخذی‌های عرفی شده همچون موارد فوق‌الذکر در مناسبات مالی مردم با کارگزاران حکومتی متداول شده بود. این در شرایطی است که استقلال واحدهای گریز از مرکز در عصر صفوی نسبت به دوران قبل کاهش یافته است.

شیوه‌های تخصیص درآمد در عصر صفوی به پیروی از دوران ایلخانیان و آق‌قویونلوها بسیار ساده، ابتدایی، فاقد قاعده مشخص و دلخواهانه بوده است. متداول‌ترین این شیوه‌ها در عصر صفوی «تیولداری» و «سیورغال‌ها» بودند. تیول معمول‌ترین شیوه تخصیص درآمدها که به یک وظیفه یا یک تکلیف یا حتی شخص بابت همه عمر واگذار می‌شد و بر دو قسم بود: نخست اراضی ضمیمه شغل معین که به محض نشستن بر مصدر آن ملک به او تعلق می‌گرفت^۵ و دوم تیول‌هایی که به صورت مواجب به افراد پرداخت می‌گردید. اما سیورغال نوعی بخشش و پاداش به شمار می‌آمد که به نوعی معافیت مالیاتی منجر می‌گردید و هم به روحانیون و هم به قشون اختصاص داشت؛ هرچند به نظر می‌رسد که بیشتر به سادات و روحانیون تعلق گرفته باشد (باستانی

۱. شیلان به معنی سفره طعام (معین، ۱۳۷۶: ۲۱۱۴) که در اینجا منظور باجی به صورت شیرینی برای تحصیلاران مالیاتی است.

۲. انجام عملی بدون اجرت و مزد آن هم از روی ستم و ظلم (معین، ۱۳۷۶: ۶۳۱).

۳. مالیات املاک زراعی که معمولاً معادل یک به ده تولیدات به صورت مقاطعه کاری محاسبه می‌شد (برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: زراعی، ۱۳۴۸: ۱۴۹).

۴. مالیات اهل زمه یا غیرمسلمانان بوده است (برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: زراعی، ۱۳۴۸: ۱۴۸).

۵. مثلاً جلفای حومه اصفهان تیول ملکه مادر شاه عباس دوم بود که مالیاتش نیز بر عهده ارامنه آن ناحیه تعیین شده بود (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۷۳).

پاریزی، ۱۳۴۸: ۷۰-۷۶). غالب این دریافت‌کنندگان از پرداخت مالیاتی معاف بودند که به آن‌ها «مُسَلَمی»، «مُسَلَمیات» (فلور، ۱۳۹۴: ۹۲) و یا «تَرخان»^۱ نیز می‌گفتند. درست است که تیولداری و سیورغالات از پرداخت مالیات معاف بودند، اما آن‌ها باید مالیات را از مردم آن ناحیه‌ای می‌گرفتند که تحت امرشان بودند و این مقادیر نامعین و تحت نظر حاکمان منطقه‌ای بود و بیشتر وظایف آنان در جهت تعیین مقدار معین قشون توسط مجلس نویس درج می‌شد. در واقع تیولداری و سیورغالات همان نقاط گریز از مرکزی را شکل می‌دادند که نقاط دسترسی تعامل مردم با حکومت محسوب می‌شد.

ساختار مالی عصر صفوی نیز به دو بخش مرکزی و ایالات تقسیم می‌شد. ساختار مالی مرکز چهار بخش داشت: «اوارجه»^۲ (منبع اصلی درآمد)، «مفرد»^۳ (اموال و دارایی‌های فردی)، «توجیه»^۴ (پرداخت‌ها)، «اریاب التحویل»^۵ (دربار شاه) و یک قسمت جدا مربوط به خالصه‌جات شاه. مستوفی الممالک که معاون صدراعظم بود، مسئول خزانه محسوب می‌شد. خود مستوفی یک ناظر و

۱. «تَرخان» شاهزاده ترک یا مغول و بزرگی است که از بعضی مزایای موروثی از جمله معافیت از مالیات و عوارض متعدد برخوردار و مجاز بود که هرگاه می‌خواست، نزد شاه رود. بعضی روحانیان نیز به این جایگاه می‌رسیدند (معین، ۱۳۷۶: ۱۰۶۵). در واقع تَرخان نوعی از معافیت‌های مالیاتی در زمان صفویه است که برای شاهزادگان و روحانیون اعمال می‌شد (فلور، [۱۹۴۲] ۱۳۹۴: ۹۳).

۲. دفتری که در آن اقلام مختلف هزینه و درآمد را جداگانه وارد می‌کردند و در آن مخارجی را که از محل عواید مختلف و وجه دیگر به عمل می‌آمد، نشان می‌دادند (معین، ۱۳۷۶: ۳۹۷). این یک اصطلاح حسابداری قدیمی است که به نظر می‌رسد ریشه آن به عهد ساسانیان بازمی‌گردد و معرب کلمه «اواره» به معنی منقول بوده است. در اینجا منقول یعنی میزان بدهی است که برای مؤدی مالیاتی نقل گردیده است و نباید با اموال منقول اشتباه گرفته شود. بنابراین، اوارج دفتر یا سندی بوده است درباره پرداخت مالیات‌های فردی اشخاص که در آن اقساط پرداختی به ترتیب ثبت می‌گردید و اوارجه‌نویس مسئول جمع‌آوری عایدات ایالات بود (مینورسکی، ۱۳۳۴: ۱۴۴-۱۴۳).

۳. آن را ضابط یا ضابطه نیز می‌خواندند. مسئول جمع‌آوری مفردات نیز مفردنویس یا ضابطه‌نویس نام داشت. او هر آنچه که خارج از حوزه مسئولیت‌های اوارجه‌نویس بود را جمع‌آوری می‌کرد (مینورسکی، ۱۳۳۴: ۱۴۰-۱۳۹).

۴. منظور از توجیه همان دستگاه و نظام پرداخت است که با نام‌ها دیگر همچون «مَحْصَص» و «حواله» نیز خواننده می‌شد. همچنین نام دیگر دائره توجیه، دائره حوالجات نام داشت (مینورسکی، ۱۳۳۴: ۱۴۱).

۵. بیشتر به مخازن و انبارهای دستگاه خاصه مربوط بوده است و تا حدی به نظر می‌رسد که با «انفادات» مترادف باشد (مینورسکی، ۱۳۳۴: ۲۱۷).

مالیات یا اخذی: بررسی نظام مالیات‌گیری ایران... ۲۰۱

داروغه^۱ داشت که به امور رسیدگی می‌کردند. دوائر مالیاتی ایالتی به مانند مرکز، متمرکز نبودند. بالاترین مقام ایالتی «بیگلریگی‌ها» بودند که روی هم - رفته در سطح کل قلمروی عصر صفوی به بیست نفر می‌رسیدند و نقش حاکم منطقه‌ای را ایفا می‌کردند. در این میان کارمندان مسئول جمع‌آوری مالیات بودند همچون تحصیلدارن که بعضاً از داروغه هم کمک می‌گرفتند. دوری از پرداخت وجوهات عواقب سختی برای مالیات دهنده داشت. «مال‌وجهات»^۲ متداول‌ترین شیوه اخذ مالیات از عصر ایلخانان به بعد محسوب می‌شود که در دوره صفوی نیز رواج داشت و شامل مالیات بر دام، چراگاه و باغات می‌شد. علاوه بر مال‌وجهات دو نوع مالیات دیگر در عصر صفوی رواج داشت: «بنیچه» و «تمغا». مالیات روستاها را بنیچه^۳ می‌گفتند؛ اما «تمغا» نوعی مالیات بر تجارت بود که بیشتر برای بازرگانان وضع می‌شد و در آن از مهری به نام «مهر تمغا»^۴ استفاده می‌گشت^۵ (فلور، ۱۳۹۴: ۲۹۴-۲۹۱).

سیستم مالیات‌گیری عصر صفوی بسیار گسترده، دارای عاملیت تصمیم‌ساز و کمتر دلبخواهانه به‌نظر می‌رسد. به عنوان نمونه، مالیات در این دوره حتی شامل

۱. داروغه در زبان مغولی یعنی رئیس که یک اصطلاح اداری است. داروغه به طور کلی به حکامی اطلاق می‌شد که بعدها لقب حاکم شهر را گرفتند. همچنین سرپرست و ناظر سایر منشیان دربار نیز داروغه نام داشت (مینورسکی، ۱۳۳۴: ۱۳۹).

۲. املائی صحیح عبارت «مالوجهات» است. باید این کلمه را بضم لام و عطف جهات بر آن (نه مال‌وجهات) جمع وجه)) خواند. دلیل دوم بر جهات بودن آن فرمان سلطان یعقوب آق قویونلو است که مکرراً در سه مرتبه جهات را بدون ترکیب مال بکار می‌برد. مال‌وجهات به معنی عایدی املاک از نقد (مال) و محصولات و اجناس (جهات) است که دلالت بر عایدی کلی حاصل شده از املاک و اراضی دارد (معین، ۱۳۷۶: ۳۷۰۹).

۳. بنیچه نوعی مالیات دست‌جمعی است که برای یک ده یا یک روستا وضع می‌شد. بنیچه از کلمه «بن» به معنی «ریشه» است که منظور اساس تعیین مالیات بر میزان آب مصرفی و زمین زراعی در اختیار است (معین، ۱۳۷۶: ۵۹۶).

۴. تمغا مالیاتی بود که به مال‌التجاره اختصاص می‌یافت و این سیستم مالیات‌گیری از زمان ایلخانان در ایران مرسوم شد. به مأموری که پس از وصول مال‌التجاره مهر تمغا را می‌زد، تمغاچی می‌گویند (معین، ۱۳۷۶: ۱۱۴۱).
۵. محمدعلی همایون کاتوزیان مال‌وجهات را نوعی از تمغا می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۳۹۳)؛ این درحالی است که مال‌وجهات متمایز از تمغا است و تمغا صرفاً مالیات بر تجارت و بازرگانی بوده است.

مشاغل بدنام و خارج عرف و شریعت اسلام نیز شده بود. به طور دقیق تر، فاحشه‌خانه‌ها و لواط‌خانه‌های شهر می‌توانستند در صورت پرداخت مالیات به کار خود ادامه دهند؛ البته این قاعده شامل حال اردبیل، زادگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیای خاندان سلطنتی نمی‌شد و شاه عباس نیز این مالیات را ناپاک دانسته و عایده حاصل از آن را به آتشبانان و مشعل‌بانان دربار می‌پرداخت.^۱ با این حال در این دوره، همه فاحشه‌خانه‌ها گواهی کسب و کار و حتی قوانین مرتبط با فرزندآوری احتمالی حاصل شده از زنا‌ی نامشروع بودند (فلور، ۱۳۹۴: ۲۱۹-۲۲۰). علاوه بر فاحشه‌خانه‌ها، در دوران صفویه حتی برای کفن و دفن مردگان نیز مالیات‌هایی از سوی دولت دریافت می‌گردید که به دلیل واگذاری زحمت بیش از اندازه بر عهده رعایا، شاه عباس اول عوارض مردگان را لغو نمود (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۱۵۶). از جمله مالیات‌های گسترده دیگر می‌توان به مالیات بر فضولات کبوتران موسوم به چلغوز در کبوترخانه‌های اطراف اصفهان اشاره نمود (شاردن، ۱۳۳۶: ۱۲۳). در دوره صفویه نیز اصلی‌ترین منبع حکومت، مالیاتی است که مبتنی بر زمین است. در ۱۳۰ سال نخستین حکومت صفویه، واگذاری سیورغال به روش گذشته آق‌قویونلوها کمتر شد ولی به جای آن واگذاری تیول‌ها (واگذاری موقت مناطق دولتی همچون دوره سلجوقی که اقطاع نام داشت) افزایش چشمگیری داشت. سیورغال‌ها علاوه بر معافیت مالیاتی از دخالت نظام قضایی مصون بودند و خصلت موروثی نیز داشتند بویژه این امر در زمان شاه عباس اول تشدید شد و

۱. اساساً مأمور دریافت این مالیات‌ها خود مشعلداران دربار بودند نه تحصیلداران مرتبط با خزانه و مستوفی‌ها (شاردن، ۱۳۳۶: ۱۹۳). با وجود اینکه مالیات از عموم شغل‌ها دریافت می‌شده است؛ اما پاره‌ای از آن‌ها مثل معماری‌باشی‌ها و ابنیه‌سازان از پرداخت مالیات معاف بودند. دلیل و چرایی آن را در علاقه شاهان صفوی به ساخت ابنیه باشکوه می‌بایستی جستجو کرد. شاردن (۱۳۳۶: ۳۲۹) گزارش می‌دهد که در عصر شاه عباس هر معماری‌باشی دو درصد از هزینه ساخت بنا را نیز به عنوان پاداش دریافت می‌کرده این رقم برای ابنیه شاهنشاهی به پنج درصد می‌رسید. این درحالی بود که آنان از پرداخت مالیات نیز معاف بودند. شاید به همین دلیل نباید چندان تعجب کرد که عصر صفوی به عنوان یکی از پرشکوه‌ترین دوران تاریخ ساختمان‌سازی و معماری ایران محسوب می‌شود.

مالیات یا اخذی: بررسی نظام مالیات‌گیری ایران... ۲۰۳

او علاوه بر تیولداری، همه ساله^۱ را نیز جایگزین سیورغال کرد و تلاش داشت با پرداخت مواجب مستقیم، مزایایی بیشتر برای روحانیون فراهم آورد. نوع مالیات‌گیری در دوره صفویه بسیاری متوحشانه و سختگیرانه بود. تنها در دوره طهماسب اول به دلیل شرایط صلح با عثمانی مالیات‌هایی مثل تمغا لغو و یا برای مدتی از آن کاسته شد (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۱۶۱). این سختی چنان به مردم عادی فشار آورده بود که در پاره‌ای مواقع به هر دغل و دروغ برای فرار از پرداخت مالیات‌ها روی می‌آوردند. توانایی مردم در دور زدن حکومت تا حدی بود که در دوران شاه عباس کبیر نیز ممنوعیت تنباکو نتوانست از خرید و فروش و تجارت آن جلوگیری به عمل آورد (شاردن، ۱۳۳۶: ۵۶).

نظام مالیات‌گیری فشرده و سخت دوره صفویه در زمان نادرشاه افشار با شدت بیشتری دنبال شد. در دوره نادرشاه نظام مالیات‌گیری چنان سخت بود که حتی موقوفات نیز غصب می‌شدند. سربازان او از هر ابزاری چون فلک و چوب و آهن گداخته برای جمع‌آوری مالیات استفاده می‌کردند. آنان با شکنجه افرادی که هیچ پولی نداشتند، آنها را مجبور به لو دادن افرادی می‌کردند که ثروت‌های خود را در مکان‌های دور از دسترس سربازان نادرشاه قایم کرده بودند. جدای از مالیات‌های سنگین نادرشاه برای تشکیل ارتش قدرتمندش، همچون نیروی تفنگچی جدید به نام «جزایری» برای حمله به هند، خود لشکرکشی‌های وی نیز هزینه هنگفتی بر دست مردمان سرزمین‌هایی می‌گذاشت که در میانه مسیر حرکت وی قرار داشتند. نوعی از مالیات به نام «سیورسات‌ها» که منظور علوفه‌ها و تدارکات مورد نیاز قشون در میان راه است. بنابراین نادرشاه نیز در مالیات‌گیری سختگیر بود تا حدی که برخلاف شاهان صفوی حتی احوالات شرعی را نیز رعایت نکرده و از موقوفات نیز مالیات می‌گرفت (فلور، ۱۳۹۴:



۱. در زمان صفویه، نام قسمی مواجب مقرری بوده است (ر.ک. به لغت نامه دهخدا، مدخل "همه ساله". قابل دستیابی از سایت واژه یاب).

۳۱۵-۳۳۵). البته بسته به میزان حق الزحمه پرداختی، چشم‌پوشی تحصیلداران برای مردم محلی مفید فایده واقع می‌شد. بسیاری از مردم می‌توانستند از این طریق بار هزینه‌های خود را کاسته، به شرط آنکه هزینه مرکز توسط حکام محلی تأمین می‌گشت. احمد سیف (۱۳۸۷) معتقد است خشونت بکارگرفته شده در عصر شاه افشار بسان مالیات‌گیری دوران مغول بوده است. وی بیان می‌کند در حالی که جمعیت ایران به دلیل جنگ‌های متعدد و نبود یک دوره آرام سیاسی و اقتصادی در حال کاهش بوده است؛ افزایش مالیات بر این جمعیت پایین، سبب نابودی کامل اقتصاد ایران شده است. در حالیکه در دوران شاه عباس ثبات سیاسی و رشد جمعیت، رشد اقتصادی و بهبودی نظام مالیات-گیری را در پی داشته است (ر.ک. به: سیف، ۱۳۸۷: ۱۰۱-۶۱).

نظام مالیاتی ایران در عصر قاجار نیز تفاوت عملکردی چندانی با دوره‌های پیش از خود نداشته است. با این حال در شروع کار قاجارها، هیچ نظام مالی و مالیاتی در کشور، آنهم به صورت منسجم و نظام‌مند وجود نداشت تا جایی که در زمان تاجگذاری آقامحمدخان قاجار، تنها یک مستوفی و یک لشکر نويس در اداره امور مالیاتی کشور فعال بودند و دستگاه مالیات کشور بسیار ساده و بدوی عمل می‌کرد (فلور، ۱۳۹۴: ۵۸۲). البته سبب این تمرکز، بیشتر از هر چیزی مربوط به ویژگی‌ها و احوالات شخصی آقامحمدخان توصیف شده است. عبدالله مستوفی (۱۳۴۱: ۱۲-۱۱) می‌نویسد: «نداشتن زن و فرزند و روحیه حسابگری وی که مرهون شرایط سخت وی در دوران اسارت در شیراز بود، سبب می‌شد که او تمام امور کشور من جمله امور مالی و خزانه‌داری را خود کنترل کند». در واقع نبود یک دستگاه بوروکراتیک منسجم در اوایل دوران قاجار، بروز خشونت و هرج و مرج در نواحی خارج از کنترل حکومت مرکزی را تسهیل می‌کرد. در چنین شرایطی، اخاذی و نظام دلالی به سبب نبود نظارت مکفی از سوی مرکز، سهل الوصول تر خواهد بود.

در اوایل عصر قاجارها، خشونت حکومت در رابطه‌اش با متبوعان خود همچنان

مالیات یا اخاذی: بررسی نظام مالیات‌گیری ایران... ۲۰۵

بسان گذشته ادامه داشت. زمانی که فتحعلیشاه با یکی از فرزندان‌ش، فرمانفرمای فارس، بر سر ششصد هزار تومان بدهی مالیاتی به اختلاف خورده بود، با قشون‌کشی به سمت فارس حرکت کرد. در میانه راه در کاشان به برخی از شاهزادگان خود اینگونه گفت: «هر کس در میان شما که از طرف من وارد ایالت، ناحیه، شهر و یا روستا شده‌اید خوب بدانید و از ذهن دور نکنید که من به انجام خواست خود در وصول مالیات کاملاً توانا هستم و در خواهید یافت که قدرت لازم در وصول مالیات و الزام شما به پرداخت آن تا قران آخر هستم و هرکس از تعهداتش سرپیچی کند نتیجه بدی به سرش خواهد آمد»^۱ (فلور، ۱۳۹۴: ۵۸۸). جیمز موریه در سفرنامه دوم خود گزارش می‌دهد که در حوالی کازرون، در روستایی کوچک، پیرمردی را همراه با همسر و نوه‌اش می‌یابد. پس از گفتگوی او با آن خانواده از آن‌ها می‌پرسد: «سالانه چقدر به حکومت مالیات، به صورت باج یا خراج، پرداخت می‌کنید؟ او در پاسخ گفت: چرا سالانه؟ ماهانه یا شاید دوبار در ماه. اگر چیزی نیابند، بر فرزندانمان مالیات می‌بندند» (موریه: سفرنامه دوم، ۱۳۸۶: ۸۵-۸۴). پیش از این وی در سفرنامه اول خود به مالیات‌گیری بی‌حساب و بی‌قاعده و بخشودگی‌های آن اشاره دارد. موریه بیان می‌کند که یکی از روستاهای اطراف بوشهر، توسط شاه از پرداخت مالیات معاف شده است. علت عدم پرداخت مالیات توسط آن‌ها این است که مدعی نسبت خانوادگی خود با پیغمبر اسلام‌اند (موریه، ۱۳۸۶: ۱۰۱). از طرفی برخی مواقع مالیات‌های به دلخواه از سوی عوامل دولتی گرفته می‌شد. این مالیات‌های دلخواهانه بعضاً اعتراض شدید تجار خارجی را نیز در پی می‌داشت (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۲۳). در واقع نبود نظام منسجم مالیات‌گیری، رواج



۱. برخی محققین معتقدند که نظام مالیات‌گیری در عصر قاجار چندان سختگیرانه نبوده و حداقل در مقایسه با دولت عثمانی، عملکرد مأموران مالیاتی را نمی‌توان خشن ارزیابی کرد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۴۶). با این حال بیشتر گزارش‌ها بدون لحاظ کردن میزان خسوت‌ها در عثمانی در تناقض با این گفته نمایان است.

تصمیمات دلخواهانه را راحت‌تر می‌ساخت. این مدل از تصمیم‌سازی در مناسبات مالی کشور انطباق بیشتری با نظریه حکومت خودکامه دارد.

بنیچه، اساس مالیات‌های اصل و فرع در عصر قاجار است که بر زمین و آب روستاها بسته می‌شد. هیچ قاعده معینی برای دریافت مالیات شخصی وجود نداشت و کل جمعیت یک ناحیه و روستا می‌بایست مقدار معینی مالیات پرداخته کنند. امری که امکان سوء استفاده مستمر مأموران و تحصیلداران را برای دریافت وجوه تعریف نشده باز می‌گذاشت. اساساً حکومت ایران در عصر قاجار علاقه چندانی برای خدمات عمومی نشان نمی‌داد. حکومت حتی در امور مالی که حداکثر کوشش خود را به کار می‌برد، بی‌کفایت و ناتوان بود و نمی‌توانست منشأ اثری باشد. به عنوان نمونه، دولت هرساله در نوروز حق جمع‌آوری عوارض گمرکی ناحیه خاصی را به برنده مزایده که غالباً از اعیان ثروتمند بودند می‌فروخت و او را وزیر گمرک می‌نامید، اما او هیچگاه عضو کابینه نمی‌شد (فلور، ۱۳۶۶: ۱۹۱). در واقع شبکه‌ای از دلالان و باج‌بگیران با پرداخت بیشتر به حکومت مرکزی یا همان مشتری‌مداری به تعبیر چارلز تیلی، سهمی از دلالی در نقاط پیرامونی همچون مناطق مرزی و گمرکی دریافت می‌کردند. در این معامله، دلال امنیت‌گذر کالا برای بازرگان را تضمین می‌کرد، تصمیمی که به هیچ قاعده مرکزی وابسته نبود و تنها وجدان اخلاقی کارگزار حکومتی ضامن آن محسوب می‌شد. در این حالت قسمتی از پول بدست آمده به مرکز به عنوان حقا الزحمه پرداخت می‌شد. یکی از آن دسته صاحب منصبانی که در رابطه با دریافت و وصول مالیات‌های دولت مرکزی نقش کلیدی داشتند، کلانترها بودند. منصب کلانتر اساساً از دوران ایلخانان به این سو رواج پیدا کرد. وظیفه او این بود که میان اهالی غیرنظامی و حکومت به‌خصوص در وضع مالیات و نظم عمومی رابطه‌ای برقرار کند. بسیاری از کلانترها افرادی با لقب بیگلریگی بودند و بیشترشان از خانواده‌های محلی همان مناطق انتخاب می‌شدند. کلانترها حتی بیشتر از حکومت یک سلسله

مالیات یا اخذی: بررسی نظام مالیات‌گیری ایران... ۲۰۷

سلطنتی حکمرانی می‌کردند. عموماً کلانترها باج‌هایی از معاملات غیرقانونی مثل خرید و فروش مشروبات الکلی دریافت می‌کردند و البته پیشکش‌هایی به واسطه اعیاد و جشن‌های خاص. کلانترها که عموماً سمت بیگلربیگی را نیز با خود به همراه داشتند نرخ‌های مالیاتی را به‌دلخواه کم و زیاد می‌کردند و همینطور درآمدهایی به صورت باج و رسومات از مردم دریافت می‌کردند (فلور، ۱۳۶۶: ۲۷-۱۲). علاوه بر کلانترها و بیگلربیگی‌ها، شبکه‌های فسادخیز دیگری نیز در نواحی حاشیه و پیرامونی فعال بودند. در عصر قاجار، راهداران و راهبانان که مسئول حفاظت جاده‌ها بودند، از اشخاص اخذی می‌کردند و در صورت عدم همکاری افراد در امر رشوه دادن به آنان، راهزنان به دسته‌جات حمل و نقل کالا هجوم می‌بردند. مالیات‌های بنادر نیز یا توسط ضابطان قبیله‌ای اتخاذ می‌شد و یا توسط گماشتگان حکومت مرکزی (فلور، ۱۳۶۶: ۲۱۸-۲۱۲). مالیات‌ها در این دوران بیشتر به صورت اجناسی مثل گندم، جو، کاه، برنج و سایر محصولات پرداخت می‌شد. این مالیاتی مبتنی بر اجناس و رواج نداشتن سکه و پول در سطح معاملات مالی میان مردم و حکومت خود منشأ فعال شدن پیشکاران و مستوفیان حکومتی می‌شد که با عملی‌تسعیر^۱ مالی، مبالغ را به صورت ارقام قابل فهم به حکومت تحویل دهند. نوعی از دلالی مالیاتی که از گذشته‌های بسیار دور در ایران رواج داشته و به نام تسعیر خوانده می‌شد. موضوعی که از نظر آرتور چیستر میلسپو [۱۹۲۵] (۱۳۵۶) و پیش از او مورگان شوستر [۱۹۱۲] (۱۳۸۶) به عنوان مشکل اصلی جمع‌آوری وجوهات دولتی تلقی می‌شد. مشکل اساسی آن‌جا بود که تبدیل تمام این اجناس به پول

۱. نرخ‌بندی و تعیین قیمت اجناس؛ همچنین در گذشته به معنای «تبدیل ارز» به کار می‌رفته است (ر.ک. به: مدخل «تسعیر» در لغت‌نامه دهخدا، قابل دستیابی در واژه‌یاب). در پیش از اسلام این عمل توسط «گهبده» انجام می‌گرفت که در عصر خلافت به نام «جهبه» خوانده می‌شد. گهبده خود به معنی دانشمند است. علت این نام‌گذاری نیز به اهمیت کار آنان و پیچیدگی عمل تسعیر بازمی‌گردد که مهارت ویژه نسبت به سطح دانش آن روزگار بود (لمتون، ۱۳۶۲: ۱۰۴-۱۰۲).

عملاً غیر ممکن بود. میلسپو در باب چگونگی دریافت مالیات‌های اراضی می‌گوید: «مالیات اراضی معمولاً تمام و کمال وصول نمی‌شد و دچار انواع معافیت و تخفیف‌های بدون مأخذ و علت می‌گردید. برخی از مؤدیان بزرگ گاهی تا چندصد هزار تومان به دولت بدهکار بودند ... مأمورین مالیات نیز عموماً با دادن رسیدهای شخصی به مؤدیان، مداخل حاصله را به جیب خود می‌ریختند و گاهی بدون دریافت وجه، قبض رسید مالیات‌های گزاف را می‌دادند» (میلسپو، ۱۳۵۶: ۷۵). همچنین میلسپو وضعیت دریافت مالیات‌های غیرمستقیم یا همان رسومات را که شامل تریاک، الکل و تنباکو می‌شد، به دلیل به رسمیت شناخته نشدن این موارد، بسیار سخت عنوان می‌کرد؛ این درحالی است که به گفته وی، با وجود قانونی نبودن این موارد، خرید و فروش مشروبات الکی عملاً ممنوعیتی ندارد ولی تحصیل مالیات از رسومات با مخالفت شدید مواجه می‌شد (میلسپو، ۱۳۵۶: ۷۶-۷۵).

مورگان شوستر نیز به مانند میلسپو نظام مالیاتی ایران را بسیار کهنه می‌داند و معتقد است که یکی از مشکلات اساسی در این سیستم مالیاتی که به پیشکاران و تحصیلداران اجازه دور زدن قواعد مالیاتی را می‌دهد این است که بسیاری از مالیات‌ها به صورت جنسی (نه نقدی) داده می‌شوند^۱ و این مالیات‌های جنسی نیز عموماً به درستی توسط تحصیلداران منتقل نمی‌شود. علاوه بر این، دولت مرکزی اطلاعاتی از منابع درآمدهایی که قرار است کسب کند ندارد. در واقع دولت مرکزی نه از میزان درآمدهای مالیاتی که باید انتظار می‌داشت خیلی مطلع بود و نه از اینکه مقدار مالیات‌های دریافتی از مردم در کجا به صورت منصفانه و در کجا به صورت غیرمنصفانه توزیع می‌شود. شوستر برای نمونه به پیشکار تبریز، مرکز ایالت آذربایجان که بیشترین میزان پرداخت مالیات

۱. نرخ و میزان این مالیات‌های جنسی بسیار زیاد بوده است. اعتماد السلطنه در «المآثر و الآثار» خود گزارش دقیقی از نرخ مالیات‌های غیر نقدی کل کشور ارائه کرده است (گردآوردنده: ایرج افشار، ۱۳۶۳).

مالیات یا اخذی: بررسی نظام مالیات‌گیری ایران... ۲۰۹

سالیانه را دارد، اشاره دارد که ادعا کرده بود به سبب آشوب‌های به وقوع پیوسته در آن مناطق نمی‌تواند مالیات را جمع‌آوری کند و نظام مالیاتی نیز به گونه‌ای بوده که مقامات مالی کشور تنها مجبور به اعتماد به سخن او می‌شدند (شوستر، ۱۳۸۶: ۲۱۰). به طور کلی هر ایالت یک پیشکار مالیاتی دارد و به چند ولایت تقسیم می‌شود و هر ولایت چندین تحصیلدار دارد. مالیات‌ها را کدخدای قصبه^۱ یا روستا جمع‌آوری می‌کنند. از پیشکار یک ایالت خواسته می‌شود که هر سال مبلغ مشخصی برای دولت مرکزی جمع‌آوری کند. پیشکار نیز می‌داند که تحصیلدار هر ولایت به چه میزانی می‌بایست مالیات نقدی و جنسی فراهم آورد؛ اما از مقادیر دقیق آن اطلاع دقیقی در دست نداشت. هر پیشکار یک کتابچه، معروف به کتابچه دستورالعمل، مربوط به اطلاعات ثبت شده ایالت خود را دارد که اطلاعات مندرج در آن را فقط خود او متوجه می‌شود. به همین شکل هر تحصیلدار نیز کتابچه‌ای مخصوص به خود را دارد و به سنت مستوفیان در ایران، اطلاعات را نامشخص و تفسیرپذیر ثبت می‌کنند (شوستر، ۱۳۸۶: ۲۰۸-۲۰۹).

مالیات‌های اصناف در عصر قاجار مالیات بردرآمد بوده است. این مالیات‌ها تحت عناوینی چون «بنیچه»، «خرج» و «تحمیل» در تهران اخذ می‌شد. میزان عوارض هر صنف نیز توسط کلانتر شهر مشخص می‌گشت. مأموری که توسط کلانتر به انجام این امر معین می‌شد، «بنیچه‌بند» نام داشت؛ او وظیفه داشت تا نرخ مالیات هر صنف را تعیین کند. رئیس هر صنف نیز مبلغ تعیین شده را میان اعضا تقسیم می‌کرد. در این حالت احتمال اعمال طرفداری و جانبداری از سوی بنیچه‌بند، له یا علیه هر یک از اصناف افزایش می‌یافت (فلور، ۱۳۶۶: ۷۷-۸۰). در واقع تعاملات اصناف با حکومت نیز در عصر قاجار تحت تأثیر

۱. آبادی بزرگ که از چند ده تشکیل شده باشد که به تعبیر امروزی همان بخش می‌شود. البته قصبه به معنی کرسی‌دار ولایت نیز بوده است (معین، ۱۳۷۶: ۲۶۸۰).

این چنین مناسبات فسادپایه، آن هم در نقطه تعاملات میان کارگزاران حکومتی و شهروندان قرار داشت؛ موضوعی که در سرتاسر تاریخ مالیاتی کشور دیده می‌شود.

شبکه‌های اعتماد در عصر صفوی و قاجار

از منظر نظریه دولت خودکامه، جامعه نتوانسته در مقابل بازتولید، برخاست و افول چرخه‌های قدرتمند استبداد شکل بگیرد و حضوری فعال داشته باشد. همواره این حکومت‌ها بوده‌اند که از اجتماعات حامی خود مراقبت می‌کردند و هرگاه هر اجتماعی که توانسته رابطه‌ای تبعی با مرکز تعریف کند، در نتیجه نقش اجتماعی پررنگ‌تری نیز پیدا کرده است. با این وجود، برخی گروه‌های اجتماعی فعال در طول تاریخ ایران بوده‌اند که شبکه حمایتی قدرتمندی در جهت حمایت از اعضای خود تشکیل می‌دادند. این جماعت عموماً اهل مروّت و جوانمردی خوانده می‌شدند و همیشه حمایت از مظلومان و اقشار محروم را جزء لایتجزای هویت خود تعریف می‌نمودند. از جمله این جماعت‌ها می‌توان به فتیان، غازیان، المطوعه، لوطی‌ها، داش‌ها و سایر جریانات اجتماعی اشاره نمود. البته همه این شبکه‌های اعتماد دارای وجوهی جوانمردانه در بازنمایی رفتار اجتماعی‌شان نبودند. برخی از آنان کاملاً در رابط با حکومت عمل می‌کردند و در پیروی از فرامین آن تعریف می‌شدند. راهبردی که چارلز تیلی از آن به عنوان مشتری‌مداری در جهت جلب حمایت حکومت مرکزی و در اختیار گرفتن حدودی از اختیارات اشاره دارد (تیلی، ۲۰۰۵: ۳۴). طبیعی است که دوام این گروه‌ها با توجه به نوع راهبردشان وابسته به بقای حکومت مرکزی بوده و با فروپاشی این حکومت که عموماً دارای عمری نسبتاً کوتاه بوده‌اند؛ ادغام شبکه‌های اعتماد نیز گریزناپذیر بوده است. با این حال چنین گروه‌های اجتماعی نیز در مناسبات خود یا در رابطه با حکومت به شکلی از راهبردهای مورد نظر چارلز تیلی پیروی کرده‌اند. برخی از آنان در حکومت ادغام شده و

برخی دیگر در مواجهه با آنان دست به عصیان زده‌اند که در ادامه مقاله بیشتر به این موارد پرداخته خواهد شد.

در گذشته، جماعت فتیان یا همان اهل فتوت، به عنوان یکی از بارزترین نوع شبکه‌های اعتماد فعالیت می‌کردند. تجربه دزدی و تصرف مال مردم را داشتند، هرچند به دنبال زنا، دروغ و یا هتک حرمت مردم نبودند؛ اما تصرف مال در میان بعضی از آن‌ها جایز بود (راوندی، ۱۳۵۷: ۵۷۴-۵۷۳). با این حال فتیان در مواقعی در راستای منافع حکومت مرکزی عمل می‌کردند که بیشتر جهت کسب غنیمت جنگی بوده است. به همین سبب آنان را غازیان و الْمُطَوَّعَه یعنی داوطلب نیز می‌خواندند. بسیاری از اینان در کشورگشایی‌ها و انضمام‌طلبی‌های تمدن اسلامی به عنوان پیشگامان و پیشروان جنگی حضور می‌یافتند، بلکه بتوانند از غنیمت‌های جنگی درآمدی کسب کنند. لذا حضور عیاران و فتیان از این جهت حائز اهمیت بود که در پاره‌ای از مواقع همسو و هم‌راستا با حکومت-ها عمل می‌کردند. با این وجود، بسیاری از این گروه‌ها در مقابل و بعضاً در تقابل با مراکز قدرت بودند. گروه‌هایی از فتیان با کارکرد ثانویه خود، یعنی مشکل‌تراشی برای حکومت‌ها با نام عیاران مشهور شدند و گروه‌هایی با کارکرد اول یعنی خدمت‌رسانی به خلفای اسلامی به عنوان غازیان و المطوعه (راوندی، ۱۳۵۷: ۵۷۶).

اما لوطی‌ها بر خلاف فتیان، حاصل شهری شدن و به نوعی پدیده‌ای جدید به شمار می‌روند. لوطی‌ها اساساً یک گروه خودی بودند که در درجه اول نسبت به اعضای گروه، سپس به محله و شهر خود صمیمت نشان می‌دادند و به چیز دیگری توجه نداشتند. اغلب میان رهبران گروه‌های مختلف لوطی‌ها، جنگی بر اساس آیینی خاص روی می‌داد که بیشتر به صورت کشتی در زورخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها اتفاق می‌افتاد. آن‌ها علاوه بر آیین مشترک، دارای زبان مشترک ارتباطی غیرقابل فهم برای دیگران و خصیصه‌های مشترک هویتی و متمایزساز همچون کفتربازی و یا استفاده از پوشش خاص بودند (فلور، ۱۳۶۶: ۲۵۱-).

۲۵۰). به طور کلی لوطی‌ها دو دسته بودند: نخست اشرار و لات‌ها و دوم گروهی از بندبازان و هنرمندان که به نقاره‌خانه وابسته بودند و اعضای آن لوطی نبودند. نقاره‌خانه، نایبی داشت که از جمله معروفترین نایبان آن در عصر ناصرالدین شاه «کریم شیره‌ای» نام داشت. وظیفه نقاره‌چی نظارت بر دوره‌گردان و غول بیابونی‌ها و آتش‌افروزان بود. وی دعاوی آنان را حل می‌کرد و «حق-الپرچینی» دریافت می‌کرد (فلور، ۱۳۶۶: ۲۴۸-۲۴۴). لوطی‌ها به مانند سایر شبکه‌های اعتماد، دارای کدهای آئینی خاص خود بودند. بسیاری از آن‌ها به فرقه‌های درویشی حیدری و نعمتی گرایش داشتند و کبوتربازی و خروس‌جنگی از جمله تفریحاتشان محسوب می‌شد. در لوطی‌گری و آیین آن نوعی ظلم‌ستیزی، مبارزه با بیگانه و حمایت از یتیمان دیده می‌شود که سبب جذب افراد مشهور و حتی بازرگانان بزرگ به این انجمن‌ها می‌شد. در شهر یزد در سال ۱۸۴۹ که دیگر حاکمی نداشت، لوطی‌های شهر به رهبری محمد بن عبدالله، حفظ قانون و نظم شهر را برعهده می‌گرفتند. این لوطی‌ها کارکردهای مثبت اجتماعی داشتند و نباید آن‌ها را با لات‌ها و اوباش یکی در نظر گرفت. لوطی‌ها به مانند اهل عیاران بودند و برخی ریشه آن را در عدم تمایل‌شان به جنس مخالف خود دانسته و آن را با واژه لواط در قرابت می‌دیدند. آشکار است که عدم تمایل به ازدواج در میان پهلوانان مشهود بوده‌است (فلور، ۱۳۶۶: ۲۵۲-۲۵۹). در واقع این رموز آئینی به تعبیر گمبتا و چارلز تیلی، وحدت بخش شبکه و حافظ ویژگی‌های هویتی آن محسوب می‌شدند.

وضعیت اصناف در دوره صفوی و قاجار به گونه‌ای رابط میان حکومت و بازار بوده است. در واقع اصناف نوعی از نظام باج‌گیری منحصر به فرد در شهرها را تشکیل می‌دادند. شاردن (۱۳۳۶: ۲۹۹) گزارش می‌دهد که اصناف عصر صفوی هر کدام رئیسی داشتند که اعضای صنف در تعیین آن رئیس نقشی ایفا نمی‌کردند. در واقع این شاهنشاه بود که رئیس صنف را تعیین می‌کرد. وی بیان می‌کند که اساساً ایرانیان تمایلی به اجتماع کردن ندارند و این اتحادیه نیز جهت

مالیات یا اخذی: بررسی نظام مالیات‌گیری ایران... ۲۱۳

هماهنگی بیشتر با حکومت در امر پرداخت مالیات شکل گرفته است و اتحادیه یا صنف مستقل به معنی رایج در اروپای آن روزگار در ایران وجود ندارد. وی کارویژه اصلی این اصناف حکومتی را باج‌گیری از افرادی می‌داند که می‌خواهند وارد یک صنف شوند و یا مغازه‌ای در یک راسته بازار تأسیس کنند. عموماً رؤسای صنف که از سوی دربار تعیین شده‌اند مبلغی از متقاضیان می‌گرفتند و مجوز مربوطه را صادر می‌کردند و کارویژه مشخص دیگری نداشتند. همچنین تمام پیشه‌وران نیز می‌بایست به صورت بیگاری و رایگان در خدمت شاهنشاه باشند و در صورت درخواست وی، خدماتی مجانی ارائه دهند. بیشترین تعامل میان اصناف در روز عید قربان و محرم اتفاق می‌افتاد. با این حال شواهدی در مورد وجود صمیمیت میان اعضای یک صنف با یکدیگر و دیگر اصناف وجود ندارد.^۱

عبدالله مستوفی در «شرح زندگانی من» گزارش می‌دهد که شکوه دسته‌جات عزاداری در تهران بواسطه وجود داش‌مشدی‌ها (یا همان لوطی‌ها) است. او این افراد را ساده و بی‌آلایش توصیف می‌کند که آئین‌نامه کتبی و تشریفاتی برای پذیرفته شدن در جمعیت نداشتند، بلکه هر کس که عملاً می‌توانست لوطی‌گری خود را ظاهر و ثابت کند جزء آنان محسوب می‌شد. لوطی باید در مقابل هر پنطی (نالوطی یا غیر لوطی) بایستد و از مال و منال دنیا دست بکشد. لوطی باید ظاهر ویژه‌ای، در واقع رموز آئینی مشخص می‌داشت: زنجیر بی‌سوسه یزدی، جام برنجی کرمانی، دستمال کاشانی، چاقوی اصفهانی، چپق چوب‌عنان یا آلبالو، شال «لام الف لا» و گیوه تخت نازک بود که چهارتای اول حتماً

۱. فلور در این رابطه به سه دسته از اصناف اشاره دارد: نخست شمشیرسازان اصفهانی که در اعیاد و مراسم مذهبی کمال همکاری را با یکدیگر و حتی سایر اصناف شهر داشتند و در زمان شاه عباس و بیشتر اعصار از پرداخت مالیات معاف بودند. دوم مسگران کاشانی که در عید باستانی آبریزان حضور و همکاری عالی داشتند و سوم قصابان تهرانی که در هنگام فوت یکی از اعضای خود به بازمانده او یک عدد شال کشمیری می‌دادند (فلور، ۱۳۶۶: ۶۵-۶۶).

می‌بایستی باشد.^۱ لوطی نمی‌بایست در مشاغلی چون حلاجی، دلاکی، مقنی‌گری، کناسی و حمالی مشغول باشد. در گذشته نیز حضور و همکاری با برخی پیشه‌ها توسط «فتیان» یا همان اهل فتوت در فتوت‌نامه‌ها منع شده بود. این پیشه‌ها شامل دلاکی، دلالی، جولایی (منظور بافندگی)، قصابی، جراحی، صیادی و محترکی بوده‌اند که شایسته همکاری با اهل فتوت بر شمرده نمی‌شدند (راوندی، ۱۳۵۷: ۵۸۱). البته قصابان به آن دلیل شایسته همکاری شناخته نمی‌شدند که در خون‌ریزی حیوانات ید طولایی داشتند (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۴۵). شاید بتوان گفت که یکی از دلایل این خصومت، دولتی بودن این اصناف بوده است. در واقع تقابل میان اصناف و لوطی‌های حکومتی با لوطی‌ها مردمی. این‌ها همگی مشاغل پنبی‌ها از نظر لوطی‌های مردمی محسوب می‌شدند؛ اما دوغ‌فروش‌ها، گردوفروش‌ها، فالوده‌ریزی، فرفره و بادبادک‌سازی جزء مشاغل لوطی‌ها بودند که بالاترین آن‌ها شغل «مرشدی» بود. در واقع مرشدها صاحب منزلت‌ترین لوطی‌ها محسوب می‌شدند (مستوفی، ۱۳۴۱: ۳۰۴-۳۰۳). نکته جالب در باب این مشاغل این است که هیچ یک از آن‌ها جزء اصناف رسمی کشور یا همان اصناف مالیات‌پرداز به حکومت قرار نداشتند. علاوه بر موارد فوق، لوطی‌ها در بیانات خود دارای زبان ویژه‌ای بودند و تلاش می‌کردند تا به گونه‌ای رمزآلود و مبهم با یکدیگر صحبت کنند. آن‌ها از این ابزار برای پنهان کردن سخن خود از غریبه‌ها بهره می‌جستند^۲ (مستوفی، ۱۳۴۱: ۳۰۵). در واقع آن‌ها برای بقای شبکه اعتماد خود از راهبرد مخفی‌سازی در مواجهه با سایر

۱. در گذشته نیز اهل فتوت و عیاران دارای لباس مخصوص به خود بودند. عموماً لباس، وصله و تاج‌ها مخصوص به الوان مختلف داشتند که مجموع آن‌ها را «لباس الفتوه» می‌خواندند و بیش از هر چیز «سروال» یا همان شلوار فتیان در میان مردم شناخته شده‌تر بود (راوندی، ۱۳۵۷: ۵۷۳).

۲. راوندی نیز در کتاب خود [تاریخ اجتماعی ایران: جلد سوم] به نقش رازداری و پنهان‌سازی در امور اهل فتوت و عیاران اشاره می‌کند (راوندی، ۱۳۵۷: ۵۷۹). گروهی که به نوعی گذشته و ریشه اجتماعی لوطی‌ها محسوب می‌شوند.

مالیات یا اخذی: بررسی نظام مالیات‌گیری ایران... ۲۱۵

شبکه‌های قدرت استفاده کرده‌اند (تیلی، ۲۰۰۵: ۳۴). بنابراین وجود گروه‌ها و شبکه‌های دلالی در عصر صفوی و قاجار ماهیتاً دو سویه عمل می‌کردند: بخشی از آن‌ها در خدمت حکومت از حق الپرچینی و امتیازات مربوط به صدور مجوز به اصناف برخوردار بودند. گروه دوم اما دشمن اصناف و دسته اول محسوب می‌شدند و بیشتر از آن‌ها در چارچوب‌های اعتقادی و ارزشی و البته با رموز آئینی بیشتر در جهت مخفی‌سازی خود عضوگیری می‌کردند. در واقع این گروه‌های حافظ منافع مردمی، نوعی از شبکه‌های اعتماد را تشکیل داده‌اند که بر خلاف گروه اول به دنبال دلالی و کسب منفعت مادی نیستند. وجه ضد حکومتی دسته دوم سبب می‌شد که از رموز آئینی بیشتری برای حفظ خود استفاده کنند تا دیرتر در فرآیند تکوین و بسط حکومت‌های مرکزی ادغام شوند.

نتیجه‌گیری

صورت و قالب حکومت‌ها در ایران خودکامه بوده است و نهادهای حاکمیتی، سامانه‌های سیاسی متمرکز و مدونی برای اداره جامعه خود نداشته‌اند که این موضوع کاملاً با ماهیت پیشامدرن بودن چنین دولت‌هایی سازگار است. با این وجود، حتی انگیزه‌های فردی و دلخواهانه پادشاهان کمکی به جماعت تحت سلطه دور از مرکز نمی‌کرد. در واقع ساختار سیاسی ایران پیشامدرن به این شکل بوده است که حاکم دادگر و یا پیدادگر بر مسند قدرت تکیه زده است و عمال و حکام منطقه‌ای وی که خودشان قدرت‌هایی محلی و البته گریز از مرکز محسوب می‌شوند، تصمیم‌هایی مجزا با اختیاراتی تمام و کمال در عمل اتخاذ می‌کردند. این نیروهای گریز از مرکز فاقد وجه نظارت مرکزی بودند و در هریک از نواحی تحت نظارتشان، نقاط دسترسی^۱ شکل می‌گرفت که محل تعاملات مردم و حکومت تلقی می‌گشت. نقطه قانونی بحث ما همین محورهای

تعاملاتی یعنی نقاط دسترسی‌ها هستند، در واقع نوعی روابط همراه با بدبینی و ظن توأمان میان مردم و حکومت در همین نقاط دسترسی تعاملات کارگزاران و اتباع شاهان ایرانی شکل گرفته است. روی هم رفته حکام و خرده عاملین حکومت، در این نواحی فاقد نظارت حتی در صورت وجود حاکم دادگر، سختگیری‌های زیادی در پرداخت مالیات نسبت به مردم روا می‌داشتند که این امر سبب می‌شد تا مردم مجبور باشند بین همکاری با مأموران رشوه‌گیر و همکاری با حکومت مرکزی، یکی را که عقلایی‌تر است انتخاب کنند. در واقع آنان عمل رشوه و همکاری با عاملین متقلب را بر همسویی با حکومت انتخاب می‌کردند و این نوعی انتخاب از پیش تعیین شده و اجباری به نظر می‌رسد؛ به تعبیری دیگر، مردم دچار نوعی دوراهی بقا و همبستگی^۱ بودند؛ یا باید می‌مردند و یا باید با متقلبین همکاری می‌کردند. این نظام رشوه‌دهی و اخاذی به مراتب دشوارتر و خشن‌تر از نظام مستقر در کشورهای هم‌چون ایتالیا بوده است چراکه عمال حکومتی از هیچ نظم نمادین و آئینی شده و البته تعهدی در قبال اتباع خود پیروی نمی‌کردند و مسئولیت‌پذیری‌شان تنها و تنها به دل‌رحمی و وجدان اخلاقی افراد بستگی داشت. از طرفی این عاملین که عموماً پیشکاران، جهبده‌ها، مستوفیان، امیران، مُقطع‌ها (در پیش از دوران مغول)، بگلریگی‌ها، کلانترها و دیگر موارد نامیده می‌شدند، با یکدیگر در جهت دور زدن حکومت مرکزی همکاری داشتند و گزارشات خود را چنان پیچیده تنظیم می‌کردند که صرفاً خود به عنوان متخصص امر بتواند آن را تحلیل و ارزیابی کند. در نهایت اینکه، هیچ یک از این شبکه‌های فسادخیز در مناسباتشان با ساختار قدرت

۱. نگارندگان عبارت «دوراهی بقا و همبستگی/Survival and Solidarity Dilemma»، را با استناد به مقاله «آصف بیات» درباره بحران فقر و آب مصرفی در قاهره و دیگر نقاط کشور مصر مورد استفاده قرار داده است (بیات، [الف] ۱۹۹۷؛ [ب] ۱۹۹۷: ۳). آن هنگامی که مناطق حومه شهری قاهره نزدیک به ۳ میلیون دلار در سال آب غیرقانونی مصرف می‌کنند و از طریق رشوه به متصدیان دولتی می‌توانند زنده بمانند (همچنین ر.ک. به: بیات، ۱۳۹۳: ۱۶).

مالیات یا اخاذی: بررسی نظام مالیات‌گیری ایران... ۲۱۷

حذف نشده بودند و تعهداتشان به قدرت، شکننده و وابسته به دوام حکومت مرکزی بوده است. در واقع، بیشتر راهبردهای این گروه‌های اعتماد به مخفی‌کاری و مشتری‌مداری در قدرت مربوط شده و وضعیت حاصله ترکیبی است از استقلال دلالی‌شده و همسویی شکننده. بی‌شک تکرار مستمر این مناسبات مالی آن هم در یک بازهٔ زمانی طولانی‌مدت به اعتبار شش قرن، نوعی از تعاملات مبتنی بر عدم همکاری مستمر یا همان تعادل‌های خرده بهینه را سبب شده است. نگارندگان در تلاش بوده‌اند تا با نمایش سازوکار این تعاملات، تثبیت تاریخی نوعی از رفتار فسادپایه در مناسبات مالی حکومت و مردم ایران را به نمایش در آورند.

منابع

الف - فارسی

- اعتماد السلطنه، محمدحسن‌خان، (۱۳۶۳)، المآثر و الآثار: چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، جلد اول، تدوین: ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر.
- الیاس، نوربرت، (۱۳۹۲)، در باب فرآیند تمدن: بررسی‌هایی در تکوین جامعه‌شناختی و روان‌شناختی آن، ترجمه غلامرضا خدیوی، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- آجودانی، ماشاالله، (۱۳۸۳)، مشروطه ایرانی، چاپ پنجم، تهران: نشر اختران.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم، (۱۳۴۸)، سیاست و اقتصاد در عصر صفوی، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه‌بیات، آصف، (۱۳۹۳)، سیاست‌های خیابانی، ترجمه اسدالله نبوی چاشمی، تهران: پردیس دانش.
- پطروشفسکی، ایلیا، (۱۳۵۷)، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، جلد اول، ترجمه کریم کشاورز، چاپ سوم، انتشارات نیل .
- جعفریان، رسول، (۱۳۷۹)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، جلد دوم، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، بازیابی از: صفویه_در_عرصه_دین_فرهنگ_و_سیاست <http://www.wikinoor.ir/>
- خبرگزاری ایسنا، (۰۸ شهریور ۱۳۹۵)، «جنجال خانه‌های نجومی در شهرداری تهران بالا گرفت»، بازیابی در ۰۶ مهر ۱۳۹۶؛ از خبرگزاری ایسنا: <http://www.isna.ir/news/95060805340>.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۹۶)، لغت‌نامه دهخدا، بازیابی از واژه‌یاب: <https://www.vajehyab.com>
- راوندی، مرتضی، (۱۳۵۶)، تاریخ اجتماعی ایران، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- راوندی، مرتضی، (۱۳۶۴)، تاریخ اجتماعی ایران، جلد پنجم، تهران: انتشارات مؤلف.
- روشتاین، بو، (۱۳۹۳)، دام اجتماعی و مسأله اعتماد، ترجمه محمد فاضلی، محمود شارع‌پور، لادن رهبری، سجاد فتاح، تهران: آگه.
- سیف، احمد، (۱۳۸۷)، قرن گمشده: اقتصاد و جامعه ایران در قرن گمشده، تهران: نشر نی.
- شاردن، ژان، (۱۳۳۶)، سیاحتنامه شاردن، جلد چهارم، ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شوستر، مورگان، (۱۳۸۶)، اختناق ایران، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر ماهی.
- شیرو، دانیل، (۱۳۹۲)، چشم‌انداز اجتماعی و تاریخی مارک بلوخ، در تدا اسکاچپول، «بینش

مالیات یا اخذی: بررسی نظام مالیات گیری ایران... ۲۱۹

و روش در جامعه‌شناسی تاریخی»، ترجمه هاشم آقاجری. چاپ دوم، تهران: نشر مرکز. عبدلی، قهرمان، (۱۳۹۰)، نظریه بازی‌ها و کاربردهای آن، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.

علمداری، کاظم، (۱۳۹۲)، چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت، تهران: نشر توسعه. عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره. فلور، ویلم، (۱۳۶۶)، تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، دو جلد، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.

فلور، ویلم، (۱۳۹۴)، تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجار ۱۵۰۰-۱۹۲۵، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، تهران: نشر تاریخ ایران.

لمتون، آن، (۱۳۶۲)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات نیلی. مستوفی، عبدالله، (۱۳۴۱)، شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار، جلد اول، تهران: زوار.

معین، محمد، (۱۳۷۶)، فرهنگ فارسی، شش جلد، تهران: انتشارات امیرکبیر. موریه، جیمز، (۱۳۸۶)، سفرنامه جیمز موریه، سفر دوم، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.

موریه، جیمز، (۱۳۸۶)، سفرنامه جیمز موریه، سفر یکم، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.

میلسپو، آرتور چستر، (۱۳۵۶)، مأموریت آمریکایی‌ها در ایران، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: انتشارات پیام.

مینورسکی، ولادیمیر، (۱۳۳۴)، سازمان اداری حکومت صفوی؛ حواشی و تعلیقاتی بر تذکره الملوک، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات زوار.

ولی، عباس، (۱۳۸۰)، ایران پیشا سرمایه‌داری، ترجمه: حسن شمس‌آوری، تهران: نشر مرکز. همایون کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۹۳)، تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران، چاپ یازدهم، علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

همایون کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۹۶)، ایران جامعه کوتاه مدت و سه مقاله دیگر، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: نشر نی.

هنیش، ناتالی، (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی نوربرت الیاس، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر نی.

ب - انگلیسی

- Bayat, Asef, (1997[a]), Cairo's Poor: Dilemmas of Survival and Solidarity, Middle East Report, Vol. 202, pp.2-12.- Bayat, Asef, (1997[b]), Street Politics: Poor People's Movement in Iran, New York: Columbia University Press.
- Eisenstadt, SShemu, & Roniger, Luis, (1984), Patrons, Clients and Friends: Interpersonal Relations and the Structure of Trust in Society, Cambridge: Cambridge University Press.
- Gambetta, Diego, (1988), Mafia: The Price of Distrust. In Trust: Making and Breaking Cooperative Relations (pp. 158-175), Cambridge: Basil Blackwell.
- Gambetta, Diego, (1996), The Sicilian Mafia: The Business of Private Protection, London, Massachusetts: Harvard University Press.
- Los Angeles Times, (2016, July 16), "One Year after Iran Nuclear Deal, President Rouhani Feels Heat of Corruption Allegations", Retrieved from Los Angeles Time: <http://www.latimes.com/world/la-fg-iran-salaries-20160713-snap-story.html>.
- Millspaugh, Arthur, (1924), The American Task in Persia, London, Retrieved from <https://archive.org/details/in.ernet.dli.2015.39961>
- Smith, Kevin, & Larimer, Christopher, (2009), The Public Policy Theory Primer, Westview Press.
- Stivers, Richard, (1994), The Culture of Cynicism: American Morality in Decline, Blackwell.
- Tilly, Charles, (2005), Trust and Rule, Cambridge: Cambridge University Press.
- Transparency International, (2017), Corruption Perception Index 2017, Retrieved from Transparency International: Global Coalition against Corruption: https://www.transparency.org/news/feature/corruption_perceptions_index_2017#table.